بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولین کشور به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص) - 7 /آذر/ 1376

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
بنده هم این عید سعید و عظیم را به همه‌ی مسلمین جهان، به ملت بزرگ ایران و به شما حضّار گرامی، همچنین به همه‌ی انسانهای آزاده‌ی عالم - ولو غیر مسلمان - که می‌توانند قدر پیام اسلام و مبعث را برای بشریّت بدانند، تبریك عرض می‌کنم.
اگر ما در بین حوادث تاریخ بشر - حوادثی که برای انسانها پیش می‌آید - بعثت انبیا را از همه‌ی این حوادث، در سرنوشت بشر مهمتر و مؤثرتر بدانیم - که همین هم هست - بعثت پیغمبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم از لحاظ اهمیت، در رأس همه‌ی حوادث بزرگ و کوچك تاریخ بشر قرار می‌گیرد.
هیچ حادثه‌ای از قبیل انقلابهای بزرگ، مرگها و حیاتهای ملتها، پدید آمدن اشخاص بزرگ، از بین رفتن اشخاص بزرگ و ظهور مکتبهای گوناگون، اهمیتش برای بشریت، به اندازه‌ی بعثتهای انبیا نیست ؛ همچنان که امروز شما می‌بینید، ماندگارترین شکلهای فکر و ذهن آحاد بشر، همان شکلهایی است که ادیان به آنها داده‌اند و تا ابد هم همین‌طور خواهد بود. اگر چه امروز بسیاری از کسان در عالم هستند که مستقیماً خود را در پرتو اشعه‌ی بعثت نبیّ‌اکرم قرار نداده‌اند - یعنی غیرمسلمانان - اما همانها هم از برکات این بعثت، تاکنون منتفع شده اند.
بی‌شك علم و تمدّن بشر، خُلقیّات نیکو در میان انسانها، عادات خوب و بسیاری از این مقوله چیزها، اگر ظاهراً هم به ادیان متّصل نباشد، در ریشه‌ی اصلی، جوشیده‌ی از ادیان و معارف الهی است و در رأس آنها بعثت نبیّ‌مکرم اسلام است ؛ لیکن درعین‌حال همه‌ی بشریت - در آینده هم بیشتر - از این برکات استفاده خواهند کرد. بنابراین بزرگترین، مهمترین و برجسته‌ترین حادثه در تاریخ بشر، این بعثت است.
جا دارد که مسلمانان درباره‌ی این حادثه، بیشتر بیندیشند. نمی‌توانیم منکر گرفتاریهای دنیای اسلام شویم و آنها را ندیده بگیریم. نمی‌توانیم ضعفهایی را که جوامع اسلامی، امروز دچار آن هستند، کوچك بشماریم.
یك روز تجربه‌ای در این عالم اتّفاق افتاده است و آن تجربه‌ی حاکمیت اسلام به طور کامل - در زمان وجود مقدّس نبیّ‌اکرم و دوره‌ی محدودی از صدر اوّل - بر زندگی انسانها بود. همان برکات، کار را به جایی رساند که امّت اسلامی توانست بزرگترین ملتها را در برهه‌ای از زمان به وجود آورد، و آن چنان مشعلی از علم و تمدّن و فرهنگ و اخلاق و پیشرفت و درسهای فراموش نشدنی برافروزد که بشریت هنوز که هنوز است، از پرتو و اشعّه‌ی آن استفاده می‌کند ؛ آن هم در دوران جهلی که آن روز بر دنیا حاکم بوده است!
خوب ؛ این یك تجربه است. هر چه ما از اسلام دورتر شده‌ایم و پیام مبعث را کمتر مورد توجّه قرار داده‌ایم، زندگی بر ما مسلمانان - در دوره‌های مختلف - مشکلتر شده است.
پیام مبعث را می‌شود در قرآن، در بخشهای برجسته‌ای جستجو کرد. من دو قسمت از این پیام عظیم را اشاره می‌کنم که ببینید چقدر برای ما مسلمانان مهم است و چطور در مقابل ما برنامه و راه قرار می‌دهد:
یکی این پیام است که در آیاتی از قرآن، به آن اشاره شده است ؛ از جمله این آیه که می‌فرماید:
«بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم. کتابٌ انزلناه الیك لتخرج النّاس من الظلمات الی‌النور (63)» پیام خروج از ظلمت و ورود به نور.
نور و ظلمت، چیزی نیست که برای انسان در بخشهای مختلف، قابل اشتباه باشد. اسلام و پیام بعثت، انسانها را از ظلمات جهل، ظلمات عادات زشت، خُلقیّات بد، فتنه‌های میان افراد بشر، خرافاتی که بر ذهنهای انسانها حاکم می‌شود، پنجه می‌اندازد و آنها را از راه مستقیم منحرف می‌کند، ظلمات ظلم و طغیان - اینها همه ظلمات است - خارج می‌کند و به نوری که مقابل آن است، هدایت و دلالت می‌کند.
در آیات متعدّدی از قرآن، این مضمون تکرار شده است ؛ یعنی یك تحوّل در زندگی انسان، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ هدفگیری و از لحاظ فردی ؛ از همه جهت.

يك نقطه‌ی برجسته‌ی دیگر، مسأله‌ی اخلاقیّات و تزکیه‌ی نفوس است که آن هم در آیاتی از قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و در حدیث نبوی معروف بین همه‌ی فِرَق اسلامی هم هست که «بُعِثتُ لِاُتمِمّ مکارم الاخلاق (64)».
ببینید ؛ در آن جامعه‌ای که خُلقیّات - اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی - رایج باشد، انسانها از اخلاق نیکو - از گذشت، برادری، احسان، عدل، علم و حق‌طلبی - برخوردار باشند، انصاف بین آنها باشد، صفات رذیله در میان آنها حاکم و رایج نباشد، در چه بهشتی زندگی خواهند کرد!
امروز بشر، از همین چیزها رنج می‌برد. امروز گرفتاریهای دنیای بشر، گرفتاریهای ناشی از طغیانهای سیاسی در عالم و طواغیت، به ریشه‌های اخلاقی برمی‌گردد. گرفتاریهای توده‌های مردم هم غالباً به جهالت آنها برمی‌گردد. اسلام، اینها را برطرف می‌کند.
مسلمانان باید این پیامها را گرامی بدارند. ما در جمهوری اسلامی این توفیق را پیدا کرده‌ایم - که بسیار هم توفیق بزرگی است - که یك بار دیگر جامعه را بر اساس احکام و معارف و دستورالعمل اسلامی به وجود آوریم و شکل بدهیم و هدایت کنیم. این توفیق کم‌نظیری است که خدای متعال به ما بخشیده است.
البته ادّعا نمی‌کنیم که ما توانسته‌ایم الگوی اسلام را به طور کامل تأمین کنیم ؛ این ادّعای بسیار بزرگی است و ما بسیار از آن فاصله داریم. ما از آن انسانی و آن جامعه‌ای که اسلام می‌طلبد و به عنوان نمونه و آرمانی معرفی می‌کند، هنوز خیلی فاصله داریم ؛ لیکن بحمداللّه فاصله‌ی ما از آنچه که شکلهای رایج بشری است که از دین خدا دور افتاده‌اند
- شکلهای اجتماعی و نظامهای آنها - هم خیلی زیاد است.
ما توانسته‌ایم در راه اسلام و در جهت اسلام حرکت کنیم، قوانین اسلام را در جامعه به وجود آوریم و آنها را در حدّ وُسع و توان خودمان در زندگی پیاده کنیم. ما توانسته‌ایم ارزشهای اسلامی را به عنوان ارزشهای برتر در جمهوری اسلامی معرفی کنیم. ما توانسته‌ایم کلام خدا را در بین مردم رایج و دلها را به سمت خدا متوجّه کنیم ؛ یعنی انقلاب، این کار را کرده است، اشخاص که نمی‌توانند این چیزها را به خودشان نسبت دهند. انقلاب ما - به فضل الهی - چنین کار بزرگی را در نظام ما انجام داده است. ما این توفیق را پیدا کرده‌ایم. باید این راه را با جدیّت ادامه دهیم ؛ چون به همین اندازه آثار آن را مشاهده کرده‌ایم و خدای متعال به ما عزّت داد.
کشور و ملت ما در طول سالیان متمادی حکومت طواغیت، تحقیر می‌شد، عقب افتاده بود، مردم به حقوق خودشان واقف نبودند، دولتمردان با مردم رابطه‌ای نداشتند و نظام حاکم بر کشور در مقابل قدرتمندان عالم، شخصیتی نداشت. تبعیت و دنباله‌روی محض بود، معارف الهی برای مردم - در ذهن و در نظر آنها - اهمیتی نداشت، تعلیم و تربیت بر اساس اسلام نبود، ضعف و ذلّت و فقر و ناتوانی از اطراف - در طول حکومت طواغیت - بر کشور ما تحمیل شده بود و ملت ما را رنج داده بود!
خدای متعال به برکت اسلام، به برکت توجّه به معنویّت اسلام و توجّه به پیام سیاسی اسلام، ما را از آن رنجها خلاص کرد ؛ یعنی بعثت برای این نبود که یك عدّه مردم، عقیده‌ای را در ذهن خودشان حفظ کنند و اعمال شخصی را انجام دهند، اما نظام اجتماعی، تحت حاکمیت دشمنان خدا و انداداللّه باشد! بعثت آمد تا زندگی مردم را شکل دهد.
بحمداللّه این کار در نظام اجتماعی اسلام انجام گرفت ؛ ملت ما هم آثارش را مشاهده کرد و ثمرات شیرین آن را هم چشید.
ما باید امروز به سمت تغییر خودمان به سوی الگوهایی که اسلام معیّن کرده است، پیش برویم ؛ تغییر خودمان به عنوان اشخاص و هر کس هم از خود شروع کند. درست است که حکومت در مقابل مردم، نسبت به مسأله‌ی تعلیم و تربیت، وظایف سنگینی بر دوش دارد ؛ اما این وظایف، منافاتی ندارد که ما - مسؤولین و اعضایی که هر کدام مسؤولیتی را بر عهده گرفته‌ایم - روی خودمان به عنوان شخص هم کار کنیم.
باید خودمان را اصلاح کنیم، اخلاق خودمان را درست کنیم، خودمان را از لحاظ باطن، به خدا نزدیك کنیم، به عنوان یك فرد، مجاهدت شخصی کنیم، آیات خدا را به دل خودمان بخوانیم و دل را به خدا نزدیك کنیم. این، وظیفه‌ی ماست. این، کمك خواهد کرد تا ما بتوانیم وظیفه‌ای را که در جنب مردم و در جنب جامعه داریم، به بهترین وجهی

انجام دهیم و آحاد مردم هم منهای وظایف اجتماعی که برعهده‌ی همه هست و هیچ کس از وظیفه‌ی اجتماعی، خالی نیست، وظیفه‌ی فردی، وظیفه‌ی شخصی و اخلاقی را برای خودشان وظیفه‌ی مهمّی بدانند.
بنده احساس می‌کنم که ما احتیاج داریم که در زمینه‌ی اخلاق و تزکیه و تهذیب، بر روی نفوس خودمان و نفوس دیگران کار کنیم. نوسازی معنوی نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران، این مجاهدت بزرگ را لازم دارد و این هم یکی از پیامهای مهمّ بعثت است.
امیدواریم خدای متعال تفضّل کند که ما بتوانیم به برکت تمسّك و توسّل به ذیل عنایت پروردگار و استفاده از آیات کریمه‌ی قرآن و کلمات نبیّ‌اکرم و ائمّه‌ی معصومین علیهم‌السّلام، هر چه بیشتر فضای زندگی خودمان و فضای کشور را اخلاقی، معنوی و همراه با صفا و صمیمیت قرار دهیم و آن وسیله‌ی اساسی را که اسلام با آن توانسته است موفقیتهای خود را به وجود آورد - که آن انسان‌سازی است - هم در مورد خودمان و هم ان‌شاءالله با برنامه‌ریزیهای دقیق در مورد جوانان کشور، با همه‌ی آحاد کشور تأمین کنیم. ان‌شاءالله بتوانیم با نیرو و نشاط بیشتری این راه را ادامه دهیم.
خداوند ان‌شاءالله به برکت این روز، به برکت بعثت و روح مقدس نبیّ‌اکرم، همه‌ی مردم کشورمان، همه‌ی مردم مؤمن و همه‌ی مسلمانان عالم را از برکات قرآن کریم و برکات بعثت برخوردار فرماید.
والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته
63) ابراهیم: 2
64) مرآة العقول، ج 7، ص 347